کوتاه از تقویم

گذری بر تاریخ نصب پرچم و چراغانی شهر مشهد در اعیاد مذهبی سال

وقتی چشم شهر روشن شد

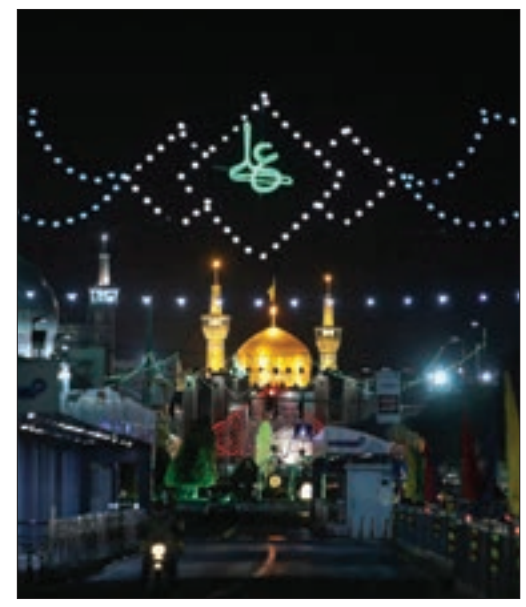

هما سعادتمند

از عید قربان گذر کردیم و در آغاز هفته ولایت، اهالی مشهد طبق روال سال‌های دیرین، پرچم شادی بر سر هر کوی و کوچه می‌آویزند. راه‌ها و خیابان‌ها را چراغانی کرده و با پخش گل و شیرینی و حتی دادن عیدانه که از دیگر سنت‌های این دیار است، شادی خود را بازائر و مجاور قسمت می‌کنند، بی‌آنکه بدانند اصلا نصب پرچم یا ریسه کشی برای اعیاد مهم، از چه زمانی باب شده و تداوم پیدا کرده است. شاید جالب باشد که بدانید شادی و عزا برای میلاد یا وفات ائمه اطهار(ع) و برگزاری مراسم برای دیگر روزهای مهم مذهبی مانند عید قربان، غدیر، محرم و... آیینی است که اگرچه از نخستین سده‌های اسلامی وجود داشته اما با روی کار آمدن صفویان است که در ایران ثبات می‌یابد و به شکل هر ساله و تقویمی ادامه دار می‌شود؛ البته بدون جلوه‌های امروزی اش مانند نصب پرچم و چراغانی یا نمادهایی از این دست.

ناگفته نماند همه این آداب در حریم حرم مطهر رضوی وجود داشته و از سده‌ها پیش‌تر برگزار می‌شده است ولی جلوه شهری آن عمری نود و یک ساله دارد؛ در واقع برابر خبری که روزنامه «بهار» ۱۸ مهر ۱۳۱۳ خورشیدی، با عنوان «دستور نصب بیرق» چاپ و منتشر کرده، اعلان نصب نخستین پرچم‌ها به منظور اعیاد مذهبی در این زمان است که شکلی رسمی به خود می‌گیرد. این جریده در بخشی از این خبر که هدف آن اطلاع رسانی عمومی بوده است، می‌نویسد: «از طرف وزارت جلیله داخله به حکام ایالات و ولایات دستور داده شده در موقع اعیاد و جشن‌های رسمی بر سر ادارات دولتی بیرق افراشته شود. مراتب به سایر ادارات دولتی نیز اعلام گردیده است که به همین نحو معمول دارند.»

پس از متداول شدن نصب پرچم بر سر ادارات، مردم کوچه و بازار نیز برای تبریک یا نشان دار کردن منازلی که در آن‌ها مراسم مذهبی برگزار می‌شده است، از نماد پرچم استفاده می‌کنند. پس از باب شدن پرچم، ریسه کشی هم به پای ثابت مجالس عید تبدیل می‌شود. نخستین چراغانی نیز به یمن میلاد اولین امام است که چشم شهر را روشن می‌کند. روزنامه «طوس»، روز ۲ آبان ۱۳۱۳ خورشیدی با انتشار خبری به این اتفاق خوش واکنش نشان داده است و می‌گوید: «کسبه و اهالی شهر مشهد، لیله سه‌شنبه را به مناسبت ولادت سراسر سعادت مولای متقیان حضرت علی بن ابی طالب(ع) چراغانی باشکوهی نمودند.»

مشهدی‌ها دومین جشن مذهبی را که در آن از ریسه و چراغانی کوچه و خیابانی استفاده می‌شود، ۲۰ آبان همین سال تجربه می‌کنند. جراید شهر درباره این رخداد که هم‌زمان با میلاد سرور جوانان اهل بهشت و اول خورشید آسمان دشت نینواست، چنین نگاشته‌اند: «به مناسبت تولد حضرت سید الشهدا(ع)، کسبه و اهالی [خیابان‌ها را] چراغانی نموده، در آستان مقدس حضرت رضا(ع) نیز مراسم چراغانی به عمل آمده است. از طرف هیئت ذاکرین مشهد مقدس، مجلس بسیار باشکوهی حسب الامر سنوات گذشته منعقد گردید.»

عید قربان به روایت اسناد در مشهد

اما اسناد به جای مانده از تشکیلات اداری آستان قدس رضوی، بیانگر آن است که قدمت برگزاری رسومی مانند عید قربان و غدیر در حرم مطهر، معاصر عصر صفویان است. البته اسناد برگزاری مراسم روز عرفه و عید قربان در این دوره از بین رفته و قدیمی‌ترین سندی که در آن به این روزها اشاره شده، بازمانده سال ۱۱۶۰ قمری (دوره افشاری) است. در این سند توضیحی درباره هزینه خرج سوخت قنادیل روشن در صحن مقدس عتیق و گلدسته‌های دور سقاخانه در شب عرفه و عید قربان، نوشته شده و نشان می‌دهد که در این ایام روشن نگهداشتن شمع‌ها تا صبح شب عرفه، یکی از مراسم ثابت هر ساله در آستان مقدس رضوی بوده است. همچنین در اوراق دیگری متعلق به سال ۱۱۷۳ هجری قمری از شب عید قربان در کنار یادآوری شب عرفه، با عنوان «عید طواف» نام برده شده است که مؤذنان برای اذان گویی در این شب مستحق مواجب شده‌اند.

عید غدیر به روایت اسناد در مشهد

قدیمی‌ترین اسناد برگزاری مراسم عید غدیر اما یادگار سال ۱۰۱۹ هجری قمری است و آن چنان که از متن آن پیداست، به خطیب آستانه برای قرائت خطبه روز عید خلعت عطا شده است. علاوه بر این در سند برجای مانده دیگری هم که زیر آن تاریخ ۱۸ ذی‌الحجه مهر خورده است، گویا جشن بزرگی به مناسبت عید غدیر در حرم مطهر برپا می‌شده که در آن باغذا، شیرینی و شربت از حاضران پذیرایی می‌کرده‌اند.

در دوره قاجاریه نیز جشن‌های عید غدیر بسیار مفصل برگزار می‌شده است. در واقع این مجالس که به طور رسمی در ایوان طلای صحن عتیق یا گنبدا... وردیخان و با حضور متولی باشی، والی خراسان و سایر صاحب منصبان آستانه ترتیب داده شده، از جمله اعیادی بوده که به مناسبت آن، حرم مطهر رضوی حالت فوق العاده‌ای داشته است. برگزاری مراسم خطبه‌خوانی و سلام و پخش سکه و شیرینی در میان میهمانان، چراغانی حرم (پس از ورود برق)، پرداخت انعام به کارکنان، از دیگر برنامه‌های این روز بوده است. برای نمونه در سندی متعلق به این دوران، آمده است: «جناب مستطاب قائم‌مقام التولیه به مقرب الخاقان دربان باشی کل ابلاغ نمایید فردا که سیوم سه‌شنبه ۱۸ شهر ذی حجه الحرام است، عید غدیر است، مجلس سلام در ایوان مبارک باید منعقد شود. به موجب این مرقوم، علی الرسم چراغانی لیل مزبور را نمایید. مبلغ هشت تومان نقد و ۴۵ مَن روغن چراغ، قبض رسید در ظَهر این مرقوم به تحویلدار داده، دریافت نمایید. از دفترخانه مقدسه برات صادر نمایید و دربانان و عملیات شکوه حاضر باشند که در نهایت شکوه و نظم، مجلس سلام منعقد شود.»

گذری بر تاریخ جمعیت مشهد از زمان تشکیل آن تا نخستین سرشماری رسمی

سیاهه‌نویسی نفوس بر کاغذهای سپید

نمایی از جمعیت مشهد در اطراف حرم/ دهه ۵۰

هما سعادتمند

جمعیت، برای مشهدی که قرن‌هاست زائرپذیر بوده، تنها یک عدد سالیانه در اوراق ثبتی و آمارنامه‌ها نیست، بلکه آیینه‌ای است از آمد و شد زبان‌ها، فرهنگ‌ها و نژادهایی با آیین‌ها و آداب و رسوم مختلف که هرکدامشان در وقت ورود، چیزی در این شهر به یادگار گذاشته یا از خوان نعمت آن، برداشته و به دیاری دیگر برده‌اند. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که سفرنامه نویسان بسیاری هنگام ورودشان به این شهر، یکی از نخستین چیزهایی که به دنبال کشف آن بوده‌اند، شمار ساکنان آن است. برای نمونه در اولین مکتوبات تاریخی از این دیار، تعداد ساکنان پیش از حمله مغول، ۲۰ هزار نفر عنوان شده است. این عدد در دوره تیموریان با رونق و آبادانی هایی که گوهرشاد خاتون رقم می‌زند، دوباره جان می‌گیرد و روندی افزایشی می‌یابد. در دوره صفویان، فزونی جمعیت مشهد، نه تنها ادامه دارد که با مسئله‌ای به نام ترکیب جمعیت نیز روبه‌رو می‌شود، زیرا صفویان با رسمی کردن مذهب شیعه در ایران و توجه به مشهد به عنوان یک قطب زیارتی، سبب مهاجرت اقوام و طایفه‌های بسیاری به این دیار می‌شوند و دیگر اینکه، آنان کوچ اجباری اقوام نوار غربی مانند کُردها برای استفاده در ارتش را نیز رقم می‌زنند. با این همه، جمعیت، موضوعی است که برای سفرنامه نویسان روزگار قاجاری اهمیت پیدا می‌کند، به طوری که هرکسی تلاش دارد در این میدان گوی سبقت از رقبا برباید و آماری متفاوت و دقیق‌تر درباره جمعیت شهری مهاجرپذیر ارائه کند. سطرهای بعدی، نقبی بر نخستین آمارها از جمعیت ارض اقدس در روز جهانی جمعیت است.

از سادات رضوی تا جمعیت ۲۰ هزار نفری

اسناد می‌گویند نخستین ساکنان مشهد، سادات رضوی بوده‌اند که تا سال‌ها، نقابی و کلیداری آستان ملائک پاسبان حضرت رضا(ع) را بر عهده داشته‌اند اما بعدها پای اقوام دیگری هم به این سرزمین می‌رسد و بر شمار جمعیت آن می‌افزاید. با این همه تا پیش از ایجاد سازمان احصاییه در ایران، تنها جایی که می‌توان در آن، نشان جمعیت و ساکنان شهرهای زائرپذیری مانند مشهد را یافت، سفرنامه سیاحان خارجی است. کهن‌ترین این آمار جمعیتی را می‌توان در شرح خاطرات سرجان ملکم انگلیسی دید، او که در اوایل عصر قاجارها (۱۱۷۹ خورشیدی) به مشهد سفر کرده است، علاوه بر شمارش حدسی جمعیت در این روزگار، بر پایه رویدادهای تاریخی نظیر جنگ و بیماری‌های همه‌گیر، که بر روی رقم جمعیت تاثیر مشهود داشته‌اند، ساکنان مشهد در دوره نادرشاه افشار را هم ۶۰ هزار خانوار عنوان می‌کند.

هم‌زمان با سرجان ملکم، کلنل ییت، کفیل کنسول بریتانیا در مشهد، هم جمعیت ثابت شهر را ۶۰ هزار نفر و تعداد خانه‌ها را ۲ هزار باب می‌نویسد. این آمار، ۲۲ سال بعد از ییت وقتی مک دونالد کینر، نماینده کمپانی هندشرقی، در سال ۱۲۰۳ خورشیدی با روبنه در مشهد زمین می‌گذارد و دست به شمارش اهالی می‌زند، به ۵۰ هزار نفر تقلیل پیدا کرده است. با این همه هیچ کدام از این آمارها تا پیش از نخستین سرشماری رسمی چندان دقیق نیست اما تنها داشته‌های مشاهده شده ما از جمعیت مشهد در این زمانه‌هاست.

مشهد، شهری با نژادهای مختلف

سوای تعداد جمعیت، توجه به نژاد و ترکیب آن نیز موضوع دیگری است که توجه برخی سیاحان را در وقت ورود به مشهد جلب کرده است. لرد کرزن نخستین سیاحی است که علاوه بر ارائه آمار جمعیتی نقبی به این موضوع می‌زند. او خراسان را ناحیه‌ای آریانشین توصیف می‌کند و می‌نویسد: «در اطراف مشهد، ترکیب نژادی اکثریت آریایی است اما هر چه به طرف مرز افغانستان یا ترکمنستان پیش برویم، با دسته‌ها و تیره‌هایی برخورد می‌کنیم که از لحاظ نژاد و مذهب متفاوتند.»

کرزن، در ادامه، جمعیت زائر و مجاوری را که دیده است، برحسب نژاد و دین و مذهب به چندین دسته تقسیم می‌کند و سرشماری عجیبی از خراسان سال ۱۲۶۹ خورشیدی ارائه می‌دهد که شامل چهار دسته ایرانی‌ها (شامل تاجیک‌ها، کردها و بلوچ‌ها)، مغول‌ها (تیموری‌ها و هزاره‌ها)، تاتارها (بازماندگان افشاریه و قاجار) و عرب‌ها می‌شوند که در مجموع جمعیتی یک میلیون و ۱۶۰ هزار نفری را تشکیل می‌دهند.

نخستین تفکیک جمعیت زائر از مجاور

لرد کرزن در ادامه، آماری را ثبت می‌کند که در آن برای نخستین بار، جمعیت زائر و مجاور از یکدیگر تفکیک شده است: «جمعیت ثابت ۴۵ هزار و شمار زائران سالانه آن یکصد هزار نفر است. این یعنی همیشه در فصول مختلف می‌توان جمعیتی ۵ تا ۸ هزار نفری از زائران را دید که چند صباحی به قصد زیارت مقیم شهر شده‌اند.»

> نخستین و دقیق‌ترین سرشماری عمومی مشهد در سال ۱۲۵۷ خورشیدی به دستور ناصرالدین شاه قاجار در مشهد صورت می‌گیرد. در این زمان، رکن‌الدوله حکمران خراسان و سیستان بوده اما کار سرشماری تحت نظر زین‌العابدین میرزا و شاهزاده محمدولی میرزا انجام شده است.

دومورگان دومین کسی است که به مسئله ترکیب جمعیتی پرداخته است و می‌گوید: «ورود طایفه‌های مختلف به مشهد، ترکیب جمعیتی جالبی را به وجود آورده که به راحتی در خیابان‌های مشهد مشهود است. در این شهر مردمان گوناگونی را با لباس‌های ویژه و لهجه و زبان می‌توانیم ببینیم.»

تاریخ نخستین سرشماری رسمی در مشهد

در سال ۱۲۴۶ خورشیدی یک آمارنامه جمعیتی به دست کدخدایان محلات پنج‌گانه شهر انجام می‌گیرد که می‌توان گفت دقیق‌تر از همه آمارهایی بوده که تا آن دوران ارائه می‌شده است. سندهای مکتوب می‌گویند که در این تاریخ کدخدایان مشهد، سیاهه‌ای از جمع ابواب مسکونی و شغلی هر محله تهیه و جمع کل را به صورت زیر اعلام کرده‌اند: «در مجموع ۱۱ هزار و ۸۸ خانه مسکونی در تمامی محلات مشهد وجود دارد. همچنین طی این سرشماری ۱۶۷ باب مسجد، ۱۹ مدرسه، ۴۷ حمام و ۵۶ آب انبار در همه محلات مشهد وجود دارد.»

اما نخستین و دقیق‌ترین سرشماری عمومی مشهد در سال ۱۲۹۵ هجری قمری (سال ۱۲۵۷ خورشیدی) به دستور ناصرالدین شاه قاجار در مشهد صورت می‌گیرد. در این زمان، رکن الدوله حکمران خراسان و سیستان بوده اما کار سرشماری تحت نظر زین العابدین میرزا و شاهزاده محمد ولی میرزا انجام شده است. اطلاعات دقیقی درباره اینکه این سرشماری چند ماه طول کشیده است و توسط چند مأمور انجام شده، در دست نیست. ولی احتمال دارد تهیه این آمار سه ماه طول کشیده باشد. محدوده آماری نیز شش محله نوغان، سرشور، عیدگاه، سراب، پایین خیابان و بالا خیابان را شامل می‌شده است.

گویا زین العابدین میرزا از شاگردان دارالفنون بوده که در زمان ناصرالدین شاه و حکمرانی رکن الدوله در خراسان به مشهد آمده و آمارگیری کرده است. براساس پژوهش مهدی سیدی، پژوهشگر تاریخ مشهد، نسخه‌ای از این آمار که در حد خود دقیق و سودمند بوده و ظاهرا نسخه اصل و منحصر به فردی است، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران به شماره ۱۲۳۲ نگهداری می‌شود. این نسخه تاریخ ندارد ولی چون تصریح می‌کند که در سال «بارس ئیل» یعنی سال پلنگ تهیه شده، می‌توان حدس زد احتمالا در سال ۱۲۹۶ ه.ق تألیف شده است. در این سرشماری، زین العابدین میرزا آمار هر یک از شش محله اصلی مشهد را جداگانه و به صورت جدول آورده و حتی جزئیاتی از قبیل اسم، شغل، رئیس خانواده، تعداد اولاد اناث و ذکور را هم به تفکیک ذکر کرده است که برابر آن، جمعیت مشهد در این سال، ۵۷ هزار و ۲۸۷ نفر و شمار خانه‌های آن نیز ۷ هزار و ۶۶۷ باب بوده است.

نکته شایان توجه دیگر در سرشماری این سال، اشاره زین العابدین میرزا به تعداد مساجد، تکایا، مدارس، کاروان سراها، آب انبارها، کارخانجات و باغ‌های شهر است که هرکدام به ترتیب نام محلات ذکر شده‌اند. در این آمارگیری همچنین به مسائلی چون تقسیم‌بندی مردم جامعه به فقیر و غنی، ذکر مشاغل عمده شهر مشهد و مشخص کردن کارمندان دولتی از رعیت، توجه به دیگر اقشار شهر مشهد، ذکر تعداد افراد اعم از زن و مرد، پیر و جوان، افراد معلول اشاره شده است. برای نمونه در مشهد این دوره هزار و ۸۰۰ نفر نظامی، ۸۹۳ کارمند و نوکر دولت، ۴۱ معلول، ۹۸۹ فقیر، هزار و ۱۷۵ نفر غنی، ۴ هزار و ۷۲۷ پیشه‌ور و ۶۰۵ نوکر آستانه زندگی می‌کرده‌اند. همچنین در مشهد این روزگار، ۴۷ خانه وقفی و ۲۴ خانه اجاره‌ای وجود داشته است.

جمعیت مشهد در قرن چهاردهم

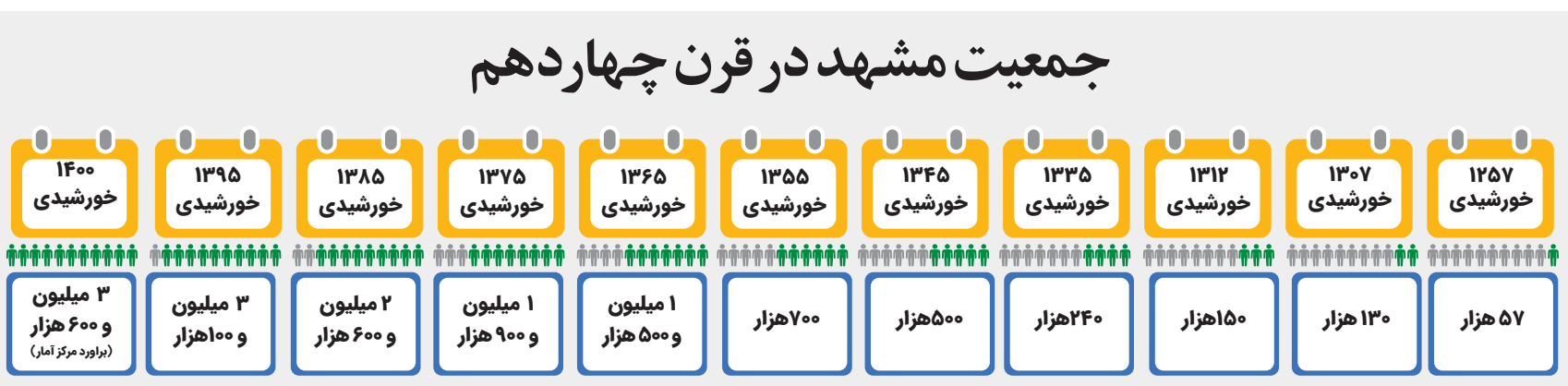

در لهجه ذری

یه کم مِشدی اختلاط کُنِم

اردلان - کوچک‌زاده| در عصر رسانه‌های مجازی و در قلب شهرهای دیجیتالی و هوشمند که داده‌های صفر و یکی شان مبنایی جز لاتین ندارد، لهجه و زبان مادری، حکم گوهر شب چراغی را پیدا کرده است که نشانش جز در کلمات اندک جمعیت موسپید کرده اصیل و در دل محلات قدیمی پیدا نمی‌شود. گنجی که این سال‌ها در مشهد هم دارد زیر گرد و غبار تغییرات بی‌امان دفن می‌شود و به خاطره‌ها می‌پیوندد. این در حالی است که به گفته بسیاری از استادان و کارشناسان زبان و ادبیات فارسی، لهجه مشهدی، نزدیک‌ترین گویش به فارسی معیار است، آن چنان که اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین کلمات فارسی را می‌توان در لهجه مردم این شهر (مشهد) شنید. در واقع فارسی دری اصیل از توس قدیم، نیشابور و مشهد کنونی انتشار یافته است. فردوسی احیاگر زبان فارسی است و پس از او نیز اسدی توسی نخستین واژه‌نامه پارسی را گردآوری کرد. علاوه بر این گویش مشهدی یا فارسی مشهدی گران بهاترین گنجینه زنده ادبیات و فارسی اصیل دری است و ۸۰ درصد افسانه‌ها و اشعار حماسی و پهلوانی ایران از شهر توس برخاسته است. آمارهای مکتوب در دل اسناد و کتاب‌ها نشان می‌دهد که تا ابتدای قرن چهاردهم، ۹۰ درصد مردم شهر، مشهدی اصیل بوده‌اند و به لهجه مشهدی حرف می‌زده‌اند اما این رویه بعدها با توسعه شهر، مهاجرت روستاییان و مردم دیگر ولایات به ارض اقدس و زائرپذیر شدن مشهد رو به افول می‌نهد. همین است که تصمیم گرفته‌ایم دوشنبه هر هفته به صندوقچه دُر زبان دری نقبی بزنیم و چند گوهر از کلمات اصیل مشهدی را از آن درآوریم و به شما تقدیم کنیم؛ باشد که گامی کوچک در راستای حفظ و احیای دوباره آن برداشته باشیم.

دُنبَلَه: دنباله
مقبول: خوشگل و قشنگ
کوچه بَ...ره: کوچه‌ای سرتاسر باروی شهر از درون، کوچه سیاه آبون
تِرَخت: قامت خدنگ و استوار، خوش قد و قامت
بِرَتا: برای شما
محکمه: به معنای دادگاه است ولی در مشهد به مطب دکتر محکمه می‌گفتند؛ زیرا طبابت قدیم با حکمت و معرفت همراه بوده است
ایاغ: کلمه ترکی به معنای هم‌پیاله، ولی در مشهد به جای همدل و رفیق به کار می‌رود
دم: نزدیک‌ترین جای؛ دم حرم، دم خانه، دم گاراژ، دم خیابان
چُخت: سقف اتاق از درون
قاف‌نِی: لاغری شدید که جز پوست و استخوان بر بدن نماند
افسون: اوسو. (اوسو: در مشهد به جای الف و ف، ف و واو تلفظ می‌شده. افسانه: اوسنه)
کلیَدَن: حفر کردن یا کندن زمین
بار بود بار نُبود: یکی بود یکی نبود
به میخ کسی وَر جستن: پشتیبانی کامل از کسی و براساس آن هر کاری می‌توانست کردن
چارچواستخوان: بسیار لاغر که فقط استخوان‌هایش برجاست
خاک و خُل: از ترکیب‌های مشهدی مانند چوب چِکَل، سیخ سِخَل، کُخ کِلَخ و...
یَک زیر بغل: گردنی ستبر که باید آن را به زیر بغل گرفت (در کشتی و نزاع کاربرد دارد)

نکته: این کلمات توسط محمود ناظران پور مشهدپژوه معرفی شده‌اند.